

سازوکارهای مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی ترویجی در شهرستان اصفهان

سید مهدی میردامادی^۱ - مصطفی تیموری^{۲*} - محمود تیموری^۳ - محمد ابراهیم مصطفایی^۴

۱- دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۲- استادیار توسعه کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۴- کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۱ صص ۱-۱۳ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۱۹

چکیده

هدف: هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی سازوکارهای مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی ترویجی در شهرستان اصفهان است. **روش:** تحقیق حاضر به لحاظ گردآوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، زنان روستایی شهرستان اصفهان می‌باشند (N = ۹۳۵۹۳) که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تعداد ۱۹۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته، جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های آماری نظیر ضریب همبستگی، آزمون T و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج تحلیل همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که، متغیرهای سطح تحصیلات افراد مورد مطالعه، سطح تحصیلات شوهر، میزان همکاری با تشکل‌های روستایی، نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی، دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، دیدگاه افراد در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی، دیدگاه افراد در مورد مفید بودن دوره‌های آموزشی قبلی و میزان ارتباط با جوامع شهری ارتباط معنی‌دار و مثبت با مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی ترویجی داشته و متغیرهای سن و تعداد فرزندان، ارتباط منفی معنی‌داری با مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی ترویجی داشته است، همچنین، نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که از بین متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شدند، متغیر دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی تأثیرگذارترین متغیر می‌باشد.

محدودیت‌ها: دسترسی به زنان روستایی و جمع‌آوری داده‌ها با توجه به سطح تحصیلات پایین پاسخ‌گویان، از عمده‌ترین چالش تحقیق حاضر است. **راهکارهای عملی:** با توجه به یافته‌های تحقیق، برگزاری کلاس‌های آموزشی؛ نظیر نهضت سوادآموزی، ایجاد شرایط محلی مناسب از طریق اجرای برنامه‌های مناسب و مراقبت از فرزندان خردسال زنان در زمان اجرای برنامه‌های آموزشی، می‌تواند مشارکت زنان را افزایش دهد. **اصالت و ارزش:** تاکنون تحقیقات اندکی با این موضوع در این سطح از تحلیل عوامل و نیز به‌کارگیری روش‌های آماری پیشرفته صورت گرفته است. **کلیدواژه‌ها:** مشارکت، دوره‌های آموزشی، زنان، شهرستان اصفهان.

ارجاع: میردامادی، س. م.، تیموری، م.، تیموری، م. و مصطفایی، م. ا. (۱۳۹۵). سازوکارهای مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در

دوره‌های آموزشی ترویجی در شهرستان اصفهان. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۲)، ۱-۱۳.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/21300>

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسأله

اکثر اقتصاددانان در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت، خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است، نه سرمایه و یا منابع مادی آن. مکانیزم نهادی اصلی برای توسعه و دانش انسانی، نظام رسمی آموزشی است. اکثر کشورهای جهان سوّم بر این باورند که رمز اصلی توسعه ملّی، گسترش تقریباً سریع فرصت‌های آموزشی است؛ آموزش بیش‌تر، توسعه سریع‌تر. بنابراین، همه کشورهای خود را موظّف به دنبال کردن هدف‌های آموزشی می‌دانند (فرجادی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸)؛ ولی بایستی با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط کنونی کشورهای در حال توسعه؛ نظیر افزایش جمعیت، فقر، فقدان امنیت غذایی و سرمایه، بیکاری، نابرابری و ضعف دولت‌ها، این وظیفه خطیر تنها از عهده نظام رسمی آموزشی بر نمی‌آید و با توجه به این که نیروی مولد کنونی کشورهای در حال توسعه سطح سواد پایینی دارند و آموزش‌های رسمی ارائه شده نیز شامل حال آن‌ها نمی‌شود، بنابراین، دیگر نمی‌توان به اندوخته‌ها و اطلاعات حاصل از نظام آموزش رسمی بسنده کرد و با کمک آن به انتظارات و مسؤولیت‌های فردی و شغلی پاسخ داد.

از این رو، با توجه کمبود و فقدان نیروی انسانی ورزیده و کارآزموده، باید پذیرفت که تکمیل و اجرای برنامه‌های توسعه ملّی در کشورهای در حال توسعه، بدون بهبود برنامه‌های آموزشی بزرگ‌سالان امکان‌پذیر نخواهد بود و از زمانی که به مسأله کمبود نیروی انسانی کارآزموده توجه شده است، همه جا از آموزش به عنوان تنها راه علاج و داروی مؤثر این نقیصه نام برده شده است (دلیر، ۱۳۸۸، ص. ۴۶). از طرفی، هم باید پذیرفت که برای اجرای هر برنامه آموزشی ضرورت دارد که مشارکت مخاطبان، داوطلبانه باشد. در صورتی که حضور مخاطبان برخلاف میل و خواسته درونی آن‌ها باشد و یا تنها دلیل حضور آن‌ها در برنامه‌های آموزشی، کسب مدرک باشد، اجرای این برنامه‌ها موفقیت چندانی نخواهد داشت و پس از صرف هزینه‌های فراوان به شکست خواهد انجامید. در اثنای مشارکت فراگیر اقشار روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی، به طور اعم و برنامه‌های ترویجی به طور اخص، مسأله مشارکت زنان روستایی به عنوان نیمی از پیکره جامعه روستایی در این

برنامه‌ها، مسأله‌ای بسیار مهم و درخور تأمل است (شهبازی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۷).

ارزش کار زنان در روستاها، نه تنها از کار خدماتی مردان کم‌تر نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد ارزش بیش‌تری دارد. حتی ارزش کار زنان روستایی از کارهای کشاورزی و دامداری مردان روستایی بالاتر است؛ زیرا انجام کار کشاورزی و دامداری وابسته به آماده شدن شرایط زندگی توسط زنان روستایی است. زنان روستایی بیش از یک‌چهارم کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. ۵۰۰ میلیون نفر از زنان جهان که در مناطق روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، بین ۸۰-۶۰ درصد مواد غذایی اولیه را تولید می‌کنند و به طور متوسط ۵۰ درصد کار کشاورزی را در کشورهای نیمه‌صنعتی و ۳۰ درصد در کشورهای صنعتی انجام می‌دهند. همچنین، فرآوری مواد غذایی برای تهیه غذای خانوار در اغلب نقاط روستایی جهان صددرصد با زنان روستایی است؛ این در حالی است که زنان امکان دسترسی به خدمت بخش کشاورزی؛ مانند آب، زمین، نهادها و اعتبار را ندارند. در کشور ما زنان روستایی در اغلب نقاط کشور در فعالیتهای کشاورزی، نقش اساسی دارند. امروزه در برنامه‌های ملّی و بین‌المللی توسعه، جایگاه ویژه‌ای به نیمی از پیکر جامعه؛ یعنی زنان داده شده است (گل‌محمدی، کریم معتمد و بیبا، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۹). آموزش به عنوان رکن اساسی توسعه ملّی، کلیدی‌ترین فعالیت در توسعه زنان روستایی (نیمی از پیکر جامعه) محسوب می‌شود. در این راستا، برنامه‌های آموزشی کشاورزی در صورتی که با پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و اجرای خوب همراه باشند، در افزایش کیفی و کمی محصولات کشاورزی و در نهایت، بهبود درآمدهای خانوارهای روستایی نقش اساسی دارند.

از طرفی، هدف توسعه، خلق شرایطی است که همه مردم بتوانند در آن، از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده بهره‌مند شوند. در واقع، در هر سطحی از توسعه، سه عامل برای مردم ملاک است: رسیدن به یک زندگی طولانی و همراه با سلامت، کسب علم و دانش و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز یک سطح زندگی مناسب و شایسته (برنامه عمران ملل متحد، ۱۳۷۴، ص. ۵). بنابراین، با نگرشی سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت در بحث توسعه، امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد؛ ولی بسیاری از روستاییان در طرح‌های ترویجی شرکت نمی‌کنند؛ زیرا استدلالشان آن است که دیگران

مشارکت و همکاری خواهند کرد (ملک‌محمدی و حسینی‌نیا، ۱۳۷۹، ص. ۴۰).

در سراسر جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، زنان در تمام بخش‌ها از جمله کشاورزی؛ هم‌چون سایر بخش‌های اقتصادی جامعه پایه‌پای مردان، برای تداوم حیات پویای ساخت‌های اجتماعی و پیش‌برد کارکردهای مؤثر فرآیندهای تولیدی - خدماتی تلاش می‌کنند و سهم قابل توجهی از نیروی کار را به خود اختصاص می‌دهند. علی‌رغم این و با تأکید کنونی که در فرآیند توسعه پایدار عدالت‌گرا، مشارکت‌محور، انسان‌مدار و درون‌زا بر توان‌مندسازی تمام انسان‌ها به‌ویژه زنان وجود دارد، در توسعه برنامه‌ها و ارائه خدمات، گروه‌های زنان حداقل در مقایسه با مردان نادیده گرفته شده‌اند؛ چنان‌که به آن‌ها مخاطبان فراموش شده اطلاق شده است (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰، ص. ۶۴). متأسفانه در بسیاری از برنامه‌های توسعه، نقش اساسی و تعیین‌کننده زنان به فراموشی سپرده شده است و به دلیل چشم‌پوشی از نقش برجسته زنان، سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری در زمینه‌های آموزشی - ترویجی و کلیه فعالیت‌های پشتیبانی به عمل آمده است.

بنابراین، با توجه به مطالب مذکور، ضرورت پرداختن به نیازها، مشکلات و شرایط رشد تعالی زنان روستایی که سهم بزرگی در جامعه انسانی از سویی و در عرصه تولید کشاورزی از سوی دیگر دارند، نیاز به تحقیق در مورد آن‌ها را ضروری می‌سازد. انگیزه اصلی نگارندگان در انتخاب این موضوع، برداشتن گامی هرچند کوچک در تحقق بخشیدن این تفکر است که مشارکت‌دادن زنان روستایی می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین عامل در حل مشکلات و نیازمندی‌های آن‌ها باشد و این امر از تمرکز و ارتباط یک‌سویه کارسازتر است. بنابراین، این عامل به همراه سایر عوامل مطرح شده، در مجموع، دلایل انتخاب موضوع برای محقق را تشکیل می‌دهد.

۲.۱. پیشینه تحقیق

نتایج مطالعه قنبری، حجاریان، انصاری و کیانی (۱۳۹۱) که با هدف شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی شهرستان فریدون‌شهر در فعالیت‌های کشاورزی انجام شد، نشان داد که زنان روستایی در امور اجتماعی و اقتصادی مشارکت زیادی دارند. همچنین، مشارکت زنان در سطح متوسط تا زیاد است؛ علاوه بر این، بین متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاس‌های آموزشی، بُعد خانوار و

سن با میزان مشارکت، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مهم‌ترین موانع مشارکت زنان نیز وضعیت تأهل، ممانعت مردان و تخصصی‌نبودن آموزش‌ها بوده است. همچنین، میرک‌زاده، علی‌آبادی و شمس (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در روستای حسین‌آباد شهرستان کنگاور پرداخته که نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که مهم‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی، بعد فرهنگی است. آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی، اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تربیت فرزندان، بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان، عدم رضایت همسر جهت حضور در برنامه‌های آموزشی - ترویجی، و تمسخر و ایراد اهالی از مهم‌ترین عوامل مورد شناسایی در این مطالعه بود.

نتایج مطالعه علی‌بیگی و بنی‌عامریان (۱۳۸۸) که با هدف بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی در شهرستان سنقر و کلیائی انجام شد، نشان داد میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی کم‌تر از متوسط است. همچنین، نتایج دیگر این مطالعه نشان داد، تبعیض‌های جنسیتی، نبود اجازه برای حضور زنان در فعالیت‌های گروهی، پایین بودن سواد، فقر اقتصادی خانواده و نبود آگاهی نسبت به شیوه برخورد با زنان، از مهم‌ترین دلایل مشارکت‌نکردن و تماس زیاد با مروجان، افزایش تولید و درآمد، خشنودی از برنامه‌های آموزشی - ترویجی گذشته و علاقه‌مندبودن به کشاورزی از مهم‌ترین دلایل مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه در برنامه‌های آموزشی - ترویجی هستند. همچنین، زرافشانی، خالدی و غنیان (۱۳۸۸) در مطالعه خود که با هدف تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین انجام شده، نشان داده‌اند که بین مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی و همچنین، برحسب وضعیت تأهل، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

صفری شالی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد؛

یعنی بالارفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، میزان مشارکت آن‌ها را به طور فزاینده‌ای بالا می‌برد. صمدی افشار (۱۳۸۱) نیز در استان آذربایجان غربی نشان داده است که متغیرهای سن، سطح سواد، مقدار زمین، وضعیت تأهل، شغل اصلی سرپرست خانوار، میزان استفاده از رادیو، استفاده از امکانات و نهاده‌های تولیدی، موقعیت اجتماعی زنان روستایی، تعداد فرزندان، تعداد دام، دفعات بازدید از طرح‌های نمونه ترویجی و میزان آگاهی زنان از محتوای دوره‌های آموزشی - ترویجی، تأثیرات مثبتی بر مشارکت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی - ترویجی داشته است. همچنین، ملک محمدی و حسینی‌نیا (۱۳۷۹) در استان فارس، در مطالعه‌ای با هدف بررسی انگیزه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، نشان داده است که اکثر زنان روستایی مورد مطالعه نسبت به برنامه‌های ترویجی اظهار رضایت کرده‌اند و مهم‌ترین عامل مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی «آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه به یادگرفتن نکات تازه و جدید» بوده است. بشردوست (۱۳۷۳) در تحقیقی با عنوان بررسی میزان مشارکت زنان روستایی شالی‌کار و نقش آموزش‌های ترویجی در تولید برنج در استان گیلان نشان داد که عواملی نظیر شغل کشاورزی همسر، علاقه شخصی، سکونت در روستا، وضعیت اقتصادی پایین خانواده و هزینه بالای کارگر باعث شده است که زنان رکن اصلی تولید برنج در استان گیلان باشند و همه آن‌ها بیان کردند که آموزش‌های ترویجی ارائه‌شده برای آن‌ها مفید بوده است.

حیاتی، عبادی، موحدی و حیدری^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای عواملی نظیر میزان نیاز به برنامه‌های ترویجی مرتبط با حفاظت منابع طبیعی، دانش و رفتار حفاظتی کشاورز را بر مشارکت آن‌ها در برنامه‌های حفاظتی مؤثر گزارش کرده‌اند. نتایج مطالعه آرنولد، مینهولد، اسکوبینا و اشتون^۲ (۲۰۰۷) داشتن تفریح و سرگرمی را مهم‌ترین عامل مشارکت دختران و پسران روستایی در فعالیت‌های مربوط به جوانان روستایی می‌داند و از گذراندن وقت با دوستان و کار گروهی نیز به عنوان دیگر عوامل مهم نام می‌برد. از جمله تحقیقات دیگر می‌توان به تحقیقی در مورد زنان روستایی کشور نیجریه اشاره کرد؛ محقق ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان را در میزان مشارکت آن‌ها در امور روستا، بسیار مؤثر می‌داند (دامیسا و یوحننا^۳، ۲۰۰۷، ص. ۵۴۳). در تحقیق دیگری که به بررسی

نقش مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی زنان در کشور بنگلادش پرداخته است، متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان، نقش اساسی را در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی دارند (بوکه و ایتوهارا^۴، ۲۰۰۸، ص. ۲۳۰). همچنین، نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه شعبانعلی فمی^۵ (۲۰۱۰) بیان‌گر آن است که میان میزان مشارکت زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی و ۱۶ ویژگی فردی، اقتصادی - اجتماعی، روان‌شناختی، ارتباطی و تغذیه‌ای آن‌ها هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد. مندوزا^۶ (۲۰۰۶) درباره فاکتورهای تأثیرگذار روی مشارکت در برنامه‌های نظارت محیطی، بیان می‌کند که مشارکت‌کنندگان جوان‌تر و باسوادتر بودند. همچنین، کشاورزان با درآمد بالاتر، زمین بیش‌تر و روابط سازمانی بومی قوی‌تر، بیش‌تر مشارکت داشتند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

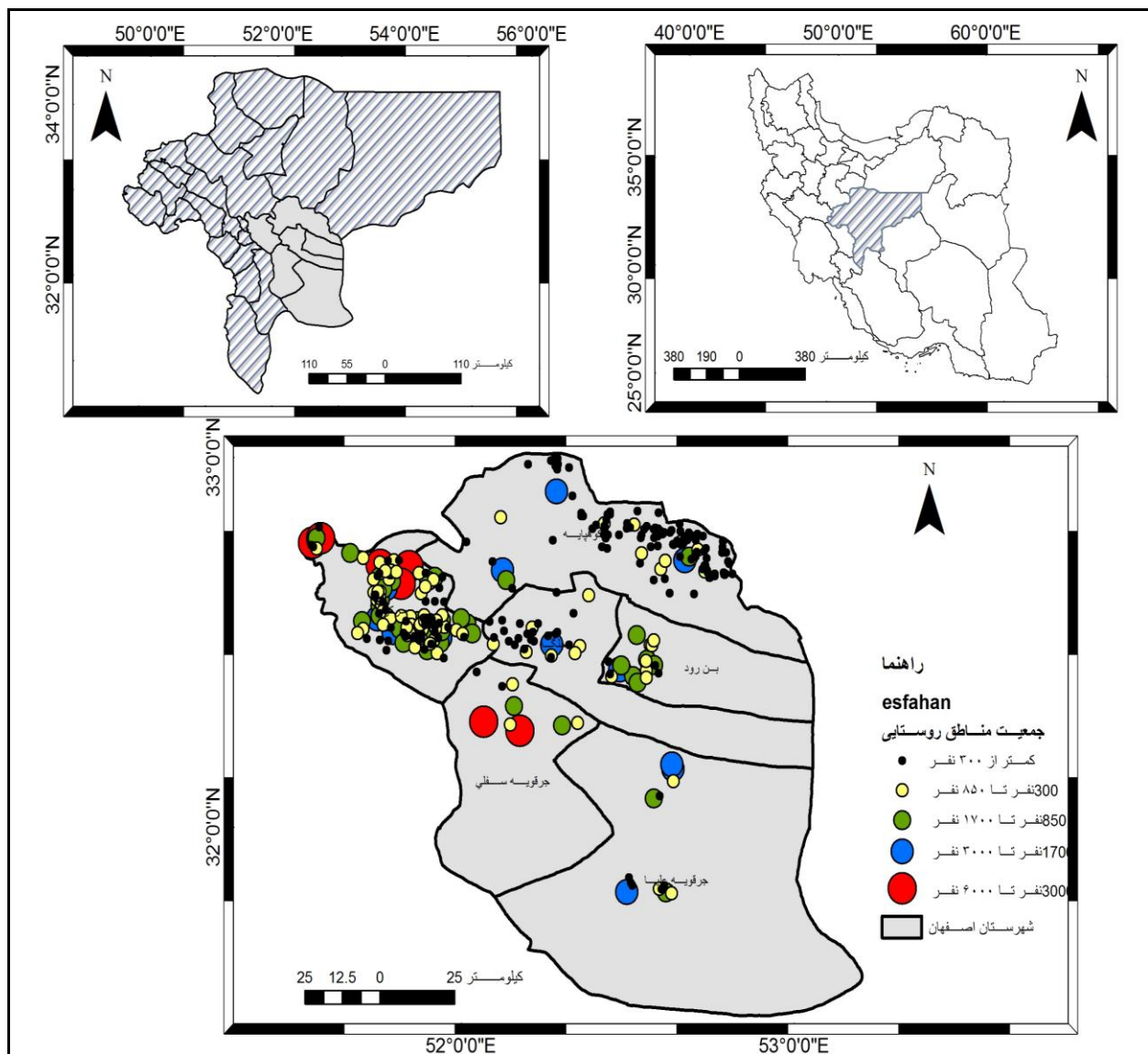
این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود، از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی - پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، زنان روستایی شهرستان اصفهان می‌باشند (N = ۹۳۵۹۳) که از میان آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران ۱۹۵ نفر (d = ۰/۷؛ p & q = ۰/۵) به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. محدوده مورد مطالعه این پژوهش، شامل روستاهای شهرستان اصفهان واقع در استان اصفهان بوده که دربرگیرنده دهستان‌های جرقویه علیا، جرقویه سفلی، جلگه، کوهپایه، مرکزی و بن رود است (شکل ۱). شغل اصلی مردم روستاهای این شهرستان، به صورت غالب کشاورزی بوده و در کنار آن به امر دامداری و باغداری نیز می‌پردازند.

اطلاعات مورد نیاز با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده جمع‌آوری شده است. متغیرهای مستقل مطالعه حاضر عبارت‌اند از: سن (سال)، سطح تحصیلات شوهر (سال)، سطح تحصیلات همکار، سطح درآمد سالیانه شوهر، همکاری با تشکل‌های روستایی، نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی، اعتماد اجتماعی، دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، میزان ارتباط با جوامع شهری، سابقه شرکت افراد در فعالیت‌های آموزشی ترویجی و غیره. همچنین، متغیر وابسته در مطالعه حاضر عبارت‌اند از

این منظور، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه تکمیل شد و ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۳ به دست آمد که حاکی از قابلیت پایایی پرسش‌نامه است. در مرحله بعد پس از اصلاحات لازم بر روی پرسش‌نامه، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد و در مرحله بعد داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری؛ نظیر ضریب هم‌بستگی اسپیرمن، مقایسه میانگین‌ها و رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی ترویجی و مشارکتی که دارای سطوح مختلفی هستند؛ از جمله شرکت در کلاس‌های کوتاه‌مدت ترویجی، بازدید از نمایشگاه‌های ترویجی، بازدید از مزارع نمونه، آموزش‌های رادیویی و تلویزیونی، شرکت در گروه‌های محلی و غیره.

روایی محتوایی^۷ پرسش‌نامه با مشورت با متخصصان ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی پس از اعمال اصلاحات لازم مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و برای



شکل ۱- محدوده مورد مطالعه

مأخذ: فرمانداری شهرستان اصفهان، ۱۳۹۳

۳. مبانی نظری

مشارکت فرآیندی است که افراد دخیل در آن به صورتی فعال، آگاه، آزاد و مسؤول برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند (زرافشانی، خالدی و غنیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۸). عمدتاً صاحب‌نظران در تعریف مشارکت از مفاهیمی چون هم‌جهتی و هدف‌مندی، آگاهی نسبت به هدف یا اهداف گروه و اراده و خواست بهره‌می‌گیرند؛ اما عمده‌ترین هدف مشارکت، توان‌مندسازی افراد است (کول و باچیان^۱، ۲۰۰۷، ص. ۳۱۲). مدعیان توسعه انسانی اعتقاد دارند که فرصت‌ها باید به شکل عادلانه در اختیار افراد قرار داده شود و باید همه مردم؛ چه زن و چه مرد، به طور یکسان فرصت مشارکت در اجرای طرح‌ها و تصمیمات اساسی که در زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد، داده شود (برنامه عمران ملل متحد، ۱۳۷۴، ص. ۶).

بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد، زنان به طور متوسط ۵۰ درصد از تولیدات بخش کشاورزی را بر عهده دارند و به تفکیک، در مناطق حوزه صحرای آفریقا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد، در آسیا ۶۵ درصد، در آمریکای لاتین و کارائیب ۴۵ درصد، در نیجریه ۸۰ درصد، در تونس ۸۰ درصد، در هند ۷۸ درصد، در چین ۷۶ درصد و در استرالیا ۴ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند (مهربانیان، موذنی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۷). همچنین، زنان در استان‌های بوشهر و هرمزگان، ۵۰ درصد نیروی کاشت، ۶۰ درصد نیروی داشت و ۶۵ درصد نیروی برداشت را تأمین می‌کنند. زنان در دامداری نیز نقش اصلی را در بسیاری از روستاهای ایران بر عهده دارند؛ به طوری که حدود ۵۰ درصد نیروی کار دامداری در استان‌های گیلان و مازندران و ۶۳ درصد از نیروی کار مراقبت از دام‌ها بر عهده آن‌ها می‌باشد (به نقل از زرافشانی، خالدی و غنیان، ۱۳۸۸). بنابراین، زنان با وجود گستردگی مشارکت در فعالیت‌های متنوع روستایی، همواره به عنوان اقشار آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و دسترسی آن‌ها به برنامه‌های آموزشی-ترویجی محدود است.

فرض رایج برنامه‌های ترویج این است که مردان اکثر فعالیت‌های کشاورزی را انجام می‌دهند، در حالی که زنان نقش بسیار مهمی را در اقتصاد خانوارهای روستایی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بازی می‌کنند. همین مسأله باعث شده است که در دهه‌های گذشته، برنامه‌های آموزشی-ترویجی محدودتری برای زنان روستایی ارائه شود (به نقل از ساتیو^۱،

۱۹۹۲). همچنین، کومینگ ز و همکارانش^{۱۰} (۱۹۹۰) بیان می‌کنند که زنان روستایی تنها ۳۴ درصد از خدمات آموزشی-ترویجی را دریافت می‌کنند و تنها ۵ درصد از آن‌ها، به طور مفید از برنامه‌های آموزشی-ترویجی استفاده می‌کنند. بنابراین، باید با انتخاب سیاست‌هایی، موجبات مشارکت بیش‌تر زنان در برنامه‌های آموزشی-ترویجی فراهم شود. شایان ذکر است که مشارکت را با توجه به سطوح و میزان مشارکت افراد، باید به دو نوع مشارکت صوری و مشارکت واقعی تقسیم‌بندی کرد (زرافشانی، خالدی و غنیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۹). مشارکت واقعی فرآیندی است که در آن افراد مشارکت‌کننده در مورد موضوعی که مرتبط با زندگی فرد یا گروه است، به منظور رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر تعامل می‌کنند و به عقاید یکدیگر احترام می‌گذارند که در این نوع مشارکت، تجارب افراد نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. نقطه مقابل مشارکت واقعی، مشارکت صوری است که اخیراً به مشارکتی اطلاق می‌شود که در آن تسهیل‌گران، بحث را به سمتی هدایت می‌کنند که به نتایج دلخواه خود دست یابند، در حالی که مشارکت‌کنندگان تصور می‌کنند که ایده‌های خود را بیان می‌کنند (چاولا^{۱۱}، ۲۰۰۱، ص. ۹).

گای تسهیم قدرت و منابع کمیاب، کوشش‌های آگاهانه و عمدی گروه‌های اجتماعی برای کنترل سرنوشت و بهبود شرایط زندگی افراد و ایجاد فرصت‌ها از سطوح پایین را سه عنصر اصلی مشارکت تعریف می‌کند (به نقل از ملک‌محمدی و حسینی‌نیا، ۱۳۷۹). بنابراین، مشارکت در این مفهوم، مستلزم ایجاد سازمان‌های مستقل و خودکفایی افراد فقیر است.

از این رو، با توجه به این تعریف، ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی از عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌ها به حساب می‌آید. قدر مسلم، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و فعالیت‌های آموزشی-ترویجی نیز از این امر جدا نبوده و حتی به دلیل ویژگی‌های خاص مشارکت در این نوع فعالیت‌ها، خصوصیات فردی و روانی، شخصیت و نیز وضعیت اجتماعی، اقتصادی افراد از اهمیت بیشتری نسبت به مشارکت در سایر فعالیت‌ها برخوردار است.

اسمیت و ردی^{۱۲} (۱۹۷۳) عوامل جمعیت‌شناسی مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خودجوش و داوطلبانه را مورد بررسی قرار داده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- چرخه حیات: این مرحله، مجموعه‌ای از عوامل ویژه‌ای هم‌چون: سن، وضعیت تأهل، تعداد

زنان مورد مطالعه نیز نشان دهنده آن است که میانگین سطح تحصیلات آن‌ها برابر با ۸ سال بوده و سطح تحصیلات شوهران آن‌ها از ۰ تا ۱۶ متغیر است. میانگین تعداد فرزندان افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین تعداد افراد مورد مطالعه برابر با ۶/۲۱ نفر بوده و این تعداد بین ۲ تا ۸ نفر متغیر می‌باشد.

جدول ۱- ویژگی‌های، فردی و خانوادگی نمونه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کم‌ترین	بیش‌ترین
سن (سال)	۴۸/۵	۱۳/۲۰۳	۲۲	۷۱
سطح تحصیلات (سال)	۲	۰/۴۳	۰	۱۴
تعداد فرزندان	۶/۲۱	۲/۷۶	۲	۸
سطح تحصیلات شوهر (سال)	۸	۲/۰۸	۰/۵	۱۶

۲.۴. ارزیابی میزان مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی - ترویجی

برای بررسی مشارکت زنان روستایی شهرستان اصفهان از یک سؤال ۱۰ گویه‌ای با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده و نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است. براساس نتایج این جدول، میزان مشارکت ۱۶/۴ درصد پاسخ‌گویان کم و خیلی کم، مشارکت ۴۷/۹ درصد متوسط و مشارکت ۳۵/۷ درصد در سطح خوب و خیلی خوب بوده است.

جدول ۲- میزان مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

میزان مشارکت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم و خیلی کم	۲۷	۱۶/۴	۱۶/۴
متوسط	۷۹	۴۷/۹	۶۴/۳
خوب و خیلی خوب	۵۹	۳۵/۷	۱۰۰
جمع	۱۶۵	۱۰۰	-

۳.۴. تحلیل دومتغیره

نتایج جدول (۳) ارتباط بین متغیرهای مستقل مورد مطالعه را با متغیر وابسته نشان می‌دهد. براساس نتایج این جدول می‌توان نتیجه گرفت که:

- بین سن زنان روستایی شهرستان اصفهان و میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی، رابطه معنی‌دار و منفی در سطح ۱ درصد وجود داشته است، این نتیجه نشان می‌دهد که افراد مسن‌تر تمایل کم‌تری از خود در جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند و افراد جوان‌تر نسبت به افراد

اولاد و سن فرزندان را در برمی‌گیرد؛ مثلاً متأهلان بیش‌تر از افراد مجرد در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت می‌کنند. در این مورد، زنان متأهل را می‌توان مطرح کرد که به دلیل فشارها و محدودیت‌های فرهنگی، به‌ویژه در جوامع سنتی که مشارکت زنان جوان و مجرد را تحت‌الشعاع بیش‌تری قرار می‌دهد؛ ولی در مورد زنان متأهل تا اندازه‌ای تخفیف می‌یابد و آن‌ها امنیت خاطر بیش‌تری را احساس می‌کنند. ۲- جایگاه اجتماعی- اقتصادی: متغیرهای این دسته شامل سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خودتنظیم یا معین‌شده توسط دیگران، وجهه شغلی، مالکیت خانه و دیگر اموال فیزیکی می‌تواند بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌ها تأثیر گذارد. هرچه افراد دارای پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتری باشند، بیش‌تر در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند؛ به نحوی که افراد طبقه پایین دارای کم‌ترین تمایل برای شرکت در این‌گونه فعالیت‌ها هستند. ۳- مشخصات اجتماعی- فیزیکی: متغیرهای مربوط به این گروه شامل سازه‌هایی مانند جنس، قومیت، سلامتی فیزیکی و توانایی‌های جسمی می‌شوند. ۴- ویژگی‌های شخصیتی و ظرفیت‌ها: در این دسته برخی از ویژگی‌های افراد که موجب مشارکت افراد و پیوستن به انجمن‌ها و یا گروه‌های محلی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه می‌شوند، شامل برون‌گرایی، جامعه‌پذیری، رفاقت و اعتماد به نفس اجتماعی، بقای هویت، تعدیل روانی، رضایت خوشبختی، تسلط، استقلال فردی، انگیزه پیشرفت، سودمندی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و آمادگی برای تغییر روحیه می‌باشد.

۴. یافته‌های تحقیق

۱.۴. توصیف ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان

روستایی شهرستان اصفهان

اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی شهرستان اصفهان در جدول (۱) آمده است و نشان می‌دهد میانگین سنی زنان مورد مطالعه ۴۸/۵ سال بوده است. جوان‌ترین زن مورد مطالعه ۲۲ سال داشته و در مقابل، مسن‌ترین زن مورد مطالعه ۷۱ سال داشته است. همچنین، نتایج تجزیه و تحلیل سطح تحصیلات نمونه آماری نشان می‌دهد که میانگین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۲ سال بوده و سطح تحصیلات آن‌ها ۰ تا ۱۴ در نوسان می‌باشد و این نشان از پایین بودن سطح تحصیلات زنان روستایی شهرستان اصفهان دارد. نتایج تجزیه و تحلیل سطح تحصیلات شوهران

وجود داشته؛ یعنی با افزایش همکاری زنان مورد مطالعه با تشکلهای روستایی و بهبود نگرش آنها نسبت به دوره‌های آموزشی و آموزش، میزان تمایل آنها جهت شرکت در دوره‌های آموزشی افزایش یافته است.

- بین نظر اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، دیدگاه زنان پاسخ‌گو در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی و ارزیابی آنها از مفیدبودن دوره‌ها با میزان مشارکت آنها در دوره‌های آموزشی، همبستگی معنی‌داری مشاهده شده است و این نشان می‌دهد که دیدگاه اهالی ساکن در روستا، کیفیت و میزان اثربخشی دوره‌های آموزشی قبلی، متغیرهای تأثیرگذار بر دیدگاه زنان جهت شرکت در دوره‌های آموزشی بوده؛ به طوری که براساس این نتایج می‌توان استنباط کرد که اولاً در روستاهایی که دیدگاه اهالی روستا نسبت به شرکت زنان در دوره‌های آموزشی مناسب بوده، به همان نسبت زنان تمایل بیشتری از خود نشان داده‌اند و برعکس، در مناطقی که اهالی روستا نگاه مثبتی نسبت به این مسأله نداشته‌اند، زنان روستا نیز تمایل کم‌تری از خود نشان داده‌اند. همچنین، دو متغیر دیگر مورد بحث در این‌جا؛ یعنی میزان مفیدبودن و کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی نیز از عوامل مؤثر در مشارکت زنان بوده؛ زیرا زنانی که کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی را مثبت‌تر ارزیابی کرده‌اند و دوره‌ها را مؤثرتر دانسته‌اند، تمایل بیشتری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی آینده نشان داده‌اند.

- بین میزان ارتباط زنان با جوامع شهری و میزان مشارکت آنها در دوره‌های آموزشی، همبستگی معنی‌داری در سطح یک درصد وجود داشته است؛ به بیانی دیگر، می‌توان گفت زنانی که با جوامع شهری ارتباط بیشتری داشته‌اند، تمایل بیشتری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند. این می‌تواند منطقی باشد؛ زیرا زنانی که با مناطق شهری ارتباط بیشتری داشته‌اند، با توجه به بالای بودن سطح زندگی در جوامع شهری، ارتباطات آنها با این مناطق باعث شده تا نیازهای آنها افزایش و متنوع‌تر شود و دریافته‌اند که راه رسیدن به نیازها و خواسته‌های متنوع آنها، آموزش است. بنابراین، ارتباطات شهری بیشتر، باعث افزایش مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی به طور قابل ملاحظه‌ای شده است.

مسئله‌های آموزش در دوره‌های آموزشی داشته‌اند، این امر به این دلیل است که افراد جوان‌تر به دلیل پیروی از هنجارهای نوین، ارتباطات بیشتر، سطح سواد بالاتر به مزایای دوره‌های آموزشی بیشتر آگاه بوده و اشتیاق بیشتری جهت شرکت در دوره‌های آموزشی داشته‌اند؛ ولی افراد مسن‌تر به علت داشتن تجربیات سنتی کشاورزی و شکل‌گرفتن شخصیت آنها، انعطاف‌پذیری کم‌تری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند. این نتیجه تحقیق با نتیجه تحقیق صمدی (۱۳۸۵) در تضاد است.

- بین سطح تحصیلات زنان مورد مطالعه و سطح تحصیلات شوهر آنها با میزان مشارکت این زنان جهت شرکت در دوره‌های آموزشی، رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود داشته و می‌توان چنین استنباط کرد که زنان باسوادتر و زنانی که شوهران آنها از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری جهت شرکت در دوره‌های آموزشی از خود نشان داده‌اند؛ زیرا افراد دارای سطح تحصیلات بیشتر، به مزایای دوره‌های آموزشی بیشتر آگاه بوده و اهمیت دوره‌های آموزشی را بیشتر درک کرده‌اند. از این رو، تمایل بیشتری برای مشارکت در این دوره‌ها از خود نشان داده‌اند. این یافته تحقیق مطابق با یافته صمدی (۱۳۸۵) است.

- بین میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان اصفهان در دوره‌های آموزشی و تعداد فرزندان آنها، رابطه معنی‌دار و منفی در سطح ۱ درصد وجود داشته است. این نتیجه نشان می‌دهد افرادی که فرزند بیشتری داشته‌اند، تمایل کم‌تری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند. می‌توان گفت که این امر به این دلیل است که زنان دارای فرزند بیشتر به علت داشتن مشغله زیاد در محیط خانواده و نداشتن فرصت کافی جهت شرکت در دوره‌ها، تمایل کم‌تری از خود نشان داده‌اند. بنابراین، فرزندان زیاد را می‌توان به عنوان یکی از موانع پیش روی مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی محسوب کرد. این یافته تحقیق با نتیجه صمدی (۱۳۸۵) در تضاد است.

- نتایج همبستگی بین دو متغیر میزان همکاری زنان با تشکلهای روستایی و نگرش آنها در مورد دوره‌های آموزشی با میزان مشارکت آنها در دوره‌های آموزشی نشان می‌دهد که بین دو متغیر مورد بحث و متغیر میزان مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی، همبستگی معنی‌داری در سطح ۱ درصد

جدول ۳- رابطه میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان اصفهان در دوره‌های آموزشی - ترویجی با متغیرهای مستقل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر ۱	متغیر ۲	نوع آزمون	ضریب	Sig
میزان مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی-ترویجی	سن	اسپیرمن	* -۰/۱۷۱	۰/۰۳۱
	سطح تحصیلات	اسپیرمن	* ۰/۱۶۴	۰/۰۴۲
	وضعیت تأهل	T test	۱/۳۹ ^{NS}	۰/۱۶
	سطح تحصیلات شوهر	اسپیرمن	** ۰/۲۳۸	۰/۰۰۰
	تعداد فرزندان	اسپیرمن	* -۰/۱۱۸	۰/۰۴۸
	همکاری با تشکل‌های روستایی	اسپیرمن	** ۰/۲۰۲	۰/۰۰۱
	نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی	اسپیرمن	** ۰/۱۹۰	۰/۰۰۵
	اعتماد اجتماعی	اسپیرمن	^{NS} ۰/۱۰۸	۰/۰۵۹
	دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی	اسپیرمن	** ۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
	دیدگاه افراد در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی	اسپیرمن	* ۰/۱۲۷	۰/۰۴۵
	دیدگاه افراد در مورد مفید بودن دوره‌های آموزشی قبلی	اسپیرمن	* ۰/۱۳۲	۰/۰۴۴
	میزان رضایت افراد از فعالیت‌های آموزشی-ترویجی قبلی	اسپیرمن	^{NS} ۰/۱۱۲	۰/۰۶۲
	سابقه شرکت افراد در فعالیت‌های آموزشی-ترویجی	اسپیرمن	^{NS} ۰/۰۶۷	۰/۱۰۴
	میزان ارتباط با جوامع شهری	اسپیرمن	** ۰/۲۴۴	۰/۰۰۰
میزان درآمد سالیانه شوهر	اسپیرمن	^{NS} -۰/۱۱۵	۰/۰۵۲	

*: معنی‌داری در سطح ۵ درصد **: معنی‌داری در سطح ۱ درصد NS: عدم معنی‌داری

۴.۴. رگرسیون چندگانه

چندگانه گام به گام استفاده شد. به این منظور کلیه متغیرهایی که از لحاظ نظری می‌توانستند بر متغیر وابسته تأثیر بگذارند و هم‌بستگی آن‌ها با متغیر وابسته با توجه به جدول (۳) اثبات شده بود، وارد مدل رگرسیونی شدند.

به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته از رگرسیون

جدول ۴- رگرسیون چندگانه بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی شهرستان اصفهان در دوره‌های آموزشی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

Sig	t	Beta	B	متغیرهای وارد شده به مدل
۰/۰۰۰	۳۲/۴۵۸	-	۰/۷۸۷	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۸/۱۱۸	۰/۲۲۵	۰/۱۰۹	سطح تحصیلات شوهر
۰/۰۰۳	۵/۰۰۶	۰/۱۹۷	۰/۰۲۶	میزان ارتباط با جوامع شهری
۰/۰۰۱	۵/۳۵۶	۰/۲۹۲	۰/۲۰۵	دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی
۰/۰۰۵	۳/۳۳۳	۰/۲۱۱	۲/۱۳۴	دیدگاه افراد در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی
۰/۰۴۶	۱/۸۸۷	۰/۰۸۶	۰/۰۳۱	نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی
$\cdot R^2 = /۴۴$ $۱۲ F = /۶۶۹$ $\cdot sig = /۰۰۰$				

داده‌ها مناسب می‌باشد. ضریب تعیین مدل (R^2) نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل موجود در مدل تعیین می‌شود. همچنین، متغیر «دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های

بر اساس اطلاعات جدول (۴) می‌توان نتیجه گرفت که آماره فیشر (F) در سطح ۱ درصد معنی‌دار بوده، بدیهی است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل وارد شده به مدل رگرسیونی تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته است و مدل رگرسیونی

آموزشی» با ضریب بتا ۰/۲۹۲ تأثیرگذارترین عامل مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی بوده است. همچنین، مقادیر ستون سطح معنی‌داری جدول (۴) نشان از تأثیر معنی‌دار متغیرهای سطح تحصیلات شوهر، میزان ارتباط با جوامع شهری، دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی و نگرش آن‌ها نسبت به دوره‌های آموزشی، اثر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته؛ ولی دیگرمتغیرها، اثر معنی‌داری بر متغیر وابسته نداشته و از مدل خارج شدند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

- با توجه به پایین بودن سطح سواد زنان روستایی شهرستان اصفهان و وجود ارتباط معنی‌دار مثبت آن با مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی ترویجی، لزوم برنامه‌ریزی جهت اجرای برنامه‌های مناسب آموزشی مناسب بزرگسالان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی؛ نظیر نهضت سوادآموزی در جهت افزایش سواد زنان روستایی قدم برداشته تا از این طریق زمینه مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی- ترویجی مربوط به کشاورزی و روستایی فراهم شده و مشارکت زنان افزایش یابد. با توجه به این‌که متغیر «دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی» تأثیرگذارترین عامل مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود

زمینه مشارکت زنان از طریق ایجاد شرایط محلی مناسب فراهم شود. برای رسیدن به این هدف، می‌توان از طریق اجرای برنامه‌های مناسب، دیدگاه روستاییان را نسبت به مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی بهبود بخشید. در این زمینه رسانه‌های ملی؛ مانند رادیو و تلویزیون که در روستاها مخاطبان زیادی دارد، می‌توانند مفید باشند. با توجه به رابطه منفی معنی‌دار بین تعداد فرزندان و مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی پیشنهاد می‌شود حداقل در زمان اجرای برنامه‌های آموزشی، تسهیلاتی فراهم شود تا از فرزندان خردسال زنان شرکت‌کننده مواظبت شود و مشغله نگهداری فرزند به عنوان عامل بازدارنده مشارکت زنان عمل نکند.

یادداشت‌ها

1. Hayati, Abadi, Movahedi & Heidari
2. Arnold, Meinhold, Skubinna & Ashton
3. Damisa & Yohanna
4. Hoque & Itohara
5. Shabanali Fami
6. Mendoza
7. Content Validity
8. Cole & Bachayan
9. Satio
10. Cumming, Swanson, Hayward, Pierre, Postel, Puignau, ... & T Puignau.
11. Chawla-
12. Smith & Reddy

کتابنامه

1. Ali beige, A.M. & bani amerian, L. (1388/2009). Demographic factors affecting rural women's participation in promotional programs (Case Study: Songhor and Koliaie County). *Journal of Social Studies of women*, 7 (2), 115-133. [In Persian]
2. Arnold, M. E., Meinhold, J. L., Skubinna, T. & Ashton, C. (2007). The motivation for and developmental benefits of youth participation in county 4-H fairs: A pilot study. *Journal of Extension*, 45(6), 1-15.
3. Bashardoust, R. (1373/1994). *Evaluation of rural women's participation and role of education in promoting rice producers in rice production in Gilan province*. Unpublished master's thesis, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran. [In Persian]
4. Chawla, L. (2001). Evaluating children's participation: seeking areas of consensus. *PLA notes*, 42, 9-13.
5. Cole, R. E., Bacdayan, P. & White, B. J. (1993). Quality, participation, and competitiveness. *California Management Review*, 35(3), 68-81.
6. Cumming Jr, R. W., Swanson, B. E., Hayward, J. A., Pierre, R. E., Postel, S., Puignau, J. P., ... & T Puignau, J. P. (1990). *External assistance in agricultural extension: the USAID experience. Report of the global consultation agricultural extension. Global Consultation on Agricultural Extension* (No. INVES-ET C20 F686). FAO, Roma (Italia).
7. Dalir, M. (1388/2009). The role of education in achieving the goals of cooperatives. *Peak light*, 7(4), 44-65. [In Persian]

8. Damisa, M. A. & Yohanna, M. (2007). Role of rural women in farm management decision making process: Ordered probit analysis. *World Journal of Agricultural Sciences*, 3(4), 543-546.
9. Farjadi, Gh. (1383/2004). Human resources and labor market characteristics in the Iranian economy. *Two Weeks a Culture and Research*, 155(1), 18-19. [In Persian]
10. Ghanbari, E., hajarian, A. & kiani, F. (1391/2012). Factors and barriers to rural women's participation in agricultural activities (Case study: Ferydounshahr county). *Journal of Research and Rural Planning*, 1(2), 71-87. [In Persian]
11. Golmohammadi, F., Karim-e-Motamed, M., & Bina, Gh. (1389/2010). *Evaluation of educational programs that promote agriculture in connection with the Rural Women (Case Study of South Khorasan province)*. Proceeding of the National Conference on sustainable rural development with emphasis on the agricultural sector, (294-312), September 13 and 14, Bojnoord, Iran. [In Persian]
12. Hayati, D., Abadi, B., Movahedi, R. & Heidari, M. (2009). An empirical model of factors affecting farmers' participation in natural resources conservational programs in Iran. *Journal of Food Agriculture and Environment*, 7(1), 201-207.
13. Hoque, M. & Itohara, Y. (2008). Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and non-members of the micro-credit organizations in Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 4(3), 229-236.
14. Khosravipour, R. & Foroushani, N. (1390/2011). Women's participation and sustainable rural development. *Monthly Work & Society*, 132-133, 56-68. [In Persian]
15. Malekmohammadi, A. & Hosseininia, G. (1379/2000). Motives rural women's participation in education and extension programs in the province. *Journal of Agricultural Sciences*, 31(1), 39-53. [In Persian]
16. Mehrabani, A. & moazeni, S. (1386/2007). The role of rural women in agriculture (Case study in Asia). *Jihad*, 278(1), 176-195. [In Persian]
17. Mendoza, C. C. (2006). *Factors influencing participation in environmental stewardship programs: a case study of the agricultural and forestry sectors in Louisiana*. Doctoral dissertation, Louisiana State University.
18. Mirakzade, A., Aliabadi, V. & shams, A. (1389/2010). Analysis of barriers to rural women's participation in educational programs and promotion. *Journal of Rural and development*, 13(2), 147-165. [In Persian]
19. Safarishali, R. (1387/2008). A study on social and cultural factors related to the participation level of rural women. *Journal of Women in Development and Politics*, 6(1), 137-159. [In Persian]
20. Samadi-e-Afshar, S. (1381/2002). *Factors affecting rural women's participation in education and extension programs in the agricultural sector in West Azerbaijan province*. Unpublished master's thesis, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [In Persian]
21. Satio, K.A. (1992). Developing agricultural extension fir women farmers. *World Bank Discussion Paper*, vol. 156, Washington D.C.
22. Shabanali Fami, H. (2010). Relationship between different characteristics of rural women with their participation in mixed farming activities. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 8(1), 107-117.
23. Shahbazi, A. (1384/2005). *Rural development and extension*. (1st ed.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
24. Smith, D. H., & Reddy, R. D. (1973). Improving participation in voluntary action. *Journal of Nursing Administration*, 3(3), 36-42.
25. UNDP. (1374/1995). *Human Development Report 1995*, (Gh. H. Salehnasab, Trans.). Tehran: Deputy Promoting and participation of the Ministry of Construction Jihad. [In Persian]
26. Zarafshani, K., Khaledi, kh., & Ghanian, M. (1388/2009). Clarify the role of rural women's participation in educational programs that promote partner participation Ernestine based on the stairs. *Journal of Women's Research*, 7(3), 107-128. [In Persian]

Effective Mechanisms to Promote Women Participation in Training Courses in Isfahan County

Seyyed Mahdi Mirdamadi¹- Mostafa Teimouri^{2*}- Mahmoud Teimouri³- Mohammad Ebrahim Mostafaei⁴

1- Associate Prof. in Agricultural Education and Extension, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Assistant Prof. in Agricultural Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Ph.D. Candidate in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

4- MSc. in Agricultural Education and Extension, Birband Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Received: 30 April 2014

Accepted: 9 March 2016

Extended Abstract

1. INTRODUCTION

In our country, rural women have a great role in agricultural activities in most of the regions. Today, in national and international development programs, a special place is given to half of society i.e. women. Training as key pillars of development of nations is considered as the key activity in the development of rural women (half of the population). In this context, if agricultural training programs are well anticipated, planned and executed, they could be effective in increasing quantity and quality of agricultural production and finally improving the incomes of rural households. Accordingly, it is important to investigate women participation in training courses in order to achieve sustainable rural development. Therefore, the main question of this study is what are the mechanisms affecting rural women's participation in extension and training courses in Isfahan?

2. THEORETICAL FRAMEWORK

Participation is a process in which members are actively involved with knowledge, freedom and responsibility to achieve a common goal. Regarding the definition of participation, individual and socio-cultural characteristics are among factors affecting participation in activities. Of course participation in voluntary activities and educational and extension activities were also affected by the same factor. Even due to the specific characteristics of participation in such activities, individual and psychological characteristics, personality, and social and economic status of people is more important compared to participating in other activities. Generally, factors affecting participation include: 1) demographic factors such as age, marital status, number of children and age of children, 2) socio-economic status including income, education, social class determined by oneself or others, employment

status, home ownership and other physical properties, 3) Physical Social Profile: Gender, ethnicity, physical health and physical abilities, 4) Personal characteristics and capacity, including extroversion, socialization, friendship and social self-esteem, survival, identity, psychological adjustment, satisfaction, happiness, dominance, independence, achievement motivation, effectiveness, flexibility, adaptability and willingness to change the mood.

3. METHODOLOGY

This research uses descriptive survey method. The population of this research includes rural women (93593 = N). Cochran formula was used to make a sample of 195 people (P & Q= 0.5; d=0.7). The survey instrument was a questionnaire whose validity was confirmed by a panel of experts. To determine the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was used (0.73). The data were analyzed using SPSS software.

4. DISCUSSION

The results showed that the mean age of women was 48.5 years; the youngest woman was 22 years old and the oldest woman was 71 years old. Furthermore, the results of the analysis also showed that the average education level of the respondents' education was 2 years and the level of their education ranged from 0 to 14. In addition, 16.4% of the subjects had low and very low participation, 47.9% had average and 35.7% had good and very good participation.

The findings from correlation analysis demonstrated that rural women's participation in training-promotional courses had significant relationship with age, level of education, husband's level of education, number of children, working with rural communities, attitude towards training courses, view of the villagers' toward women's participation in educational programs, insights about the quality of previous training courses, relationship with urban

*. Corresponding Author: m.teimoori1982@yahoo.com

Tel: +98919 008 7797

communities and viewpoints about the usefulness of the previous training courses.

The results of multiple regression analysis showed that variables including husband's level of education, relationship with urban communities, view of the villagers' toward women's participation in educational programs, viewpoints about the usefulness of the previous training courses and attitude towards training courses had a significant impact on the dependent variable of the research, yet the impact of other variables were not significant.

5. CONCLUSION

Due to the low level of education of rural women of Isfahan and its significant relationship with their participation in training -extension courses, it is necessary to plan in order to execute proper educational programs for adults. Therefore, it is suggested that certain measure be taken to increase rural women knowledge through training classes such as the Literacy Movement. As a result of such measures the participation of women will increase in such training- extension courses regarding agriculture and rural life.

Since villagers' viewpoint toward women's participation in educational programs is the most important variable for women's participation in training courses, it is proposed that women's participation be established through the creation of proper local conditions. To achieve this goal, villagers' viewpoint toward women's participation could be enhanced via the implementation of appropriate programs. In this context, the media such as radio and television, which have a lot of audiences in many villages, could be helpful.

Given the negative correlation between the number of children and women's participation in training courses, it is proposed that at least during the designing training programs, certain facilities be provided to take care of young children of these women, thus providing care for the children does not impinge on women's participation in training courses.

Key words: Participation, training courses, women, Isfahan.

How to cite this article:

Mirdamadi, S. M., Teimouri, M., Teimouri, M. & Mostafaei, M. E. (2016). Effective mechanisms to promote women participation in training courses in Isfahan county. *Journal of Research & Rural Planning*, 5(2), 1-13.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/21300>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495